امروز با مولانا

زیراکه تویی کارم زیراکه تویی بارم

گویی ز دعای او شد چون تو شهی یارم

یکخبر|یکنگاه



بىمناسبت



خوشبختي يعنى انطباق



به بعد بـــر ای ; ندگے رام هدف مشــخصی داشـــتم به بعد بسری رند نی منت نست منتی مستم. نوانایی های خودم را شناختم و گفتم: حالا با نظر به پتانسیلی که دارم تا کجامی توانم پیش بروم؟ راهم و مسيرم را مشخّص كردم و ثابت قدم در همان راه پيش رفتم. منظـورم در اينجا كاربـرد واژه هدف پیس رحمه سندسورم در این به درسر دوره مست در معنای ماکیاولیستی آن نیست نمی خواهم هر چیزی را ابرار راه خود قرار دهم تا به هر قیمتی شده به هدفم برسم (آن گونه که می دانید تفکر ماکیاولیستی می گوید هدف وسیله را توجیه می کند). درحالی که گاهی خود مسیر، هدف به ساب می اُید چرااین جاسخن بر سر سیرت است. برای من نیز خود مسیر، به عنوان هدف، رخنمایی کے د. در نظر بیاور پد ثر و تمندانی که کشتے های تفریحی ااجاره می کنند. آنهابااین کاریک ماهروی آب هستند تاازیک کشور به کشور دیگری بروند. همان ثروتمندان قطعامي توانستند بليت هواپيما بخرندويك ساعته آن كشور راطى كنندامابرايشان استدن به آن کشور خاص مهم نبود،مسس س ببینیمواقعااز زندگی چهمی خواهیم؟ . من دنبال آرامش وخوشبختی بودم خوشبختی من دراکنون شکل می گیرد. بنابراین در گذشته و آینده دنبال آن نیستم و جســتوجویش نمی کنم! زیرا دوست دارم در حال زندگی کنی برای این حرف و به تبع آن این عقیده، دلایلی دارم. آینده به وجود نیامده و در به وجود آمدنش نیز هیچ قطعیتی وجود ۔۔ ندارد؛ و گذشته هم تمام شدو رفت بنابراین در هر لحظه سعی و تلاش خودم راانجام دادم تابه بهترین وجه کار، تلاش وزندگی کنم، امانحوهمواجهه من با این قضیه آن گونه نبوده که بیش از حد تلاش کنم. تلاش بیش از حدقضیه را آنچنان که انتظار داریم،

...ر · ی شخصا اعتقاد عجیبی به مفهوم اقسمت؛ دارم. معتقدم اگر چیزی مال شــماباشــد، قطعـابه آن خواهید رسید. فقط کافی است خودتان را در جاده قرار دهیدومسیر راطی کنید.معتقدمنیازی نیست به هرقیمتی سریع حرکت کنیدتابرسید. اگر سریع حرکت کنید، احتمال تصادف را بالابرده اید. به ر سیست اعتقاد شدیدی دارم و می گویم این هدف یا مال من هست یا نیست. من تلاش خودم را در حد معقول انجام می دهم تا به آن برسم اگر رسیدم، مال من است اما اگر نرسیدم یعنی مال من نیست و قرار است چیز بهتری مال من شود. این خوش بینی را تا آن جا که یادم می آید در همه لحظات زندگی ام با خود به همراه داشته ام بنابراین از نظر من شناخت بتانسیل، امید و مشخص بودن هدف سه رکن صلی طی کردن مسیری هستند که درباره آن

قلب نیاز بــه تخصص و دانــش دارد، جراحی روح انسان هم نیاز به تخصص و دانش دارد. به نظر من سان عمار بیار به تحصی و حسی درخید سر سی بازیگری رامی توان جراحیی روح و روان آدمیان دانست. دانش باعث می شود بازیگر به فنون و تکنیک بازیگری آگاهی داشته باشد. اگر تکنیک ساختُ ميز و ُصندلى باشــد! اگر دانش ساختن و علم نجارى وجود نداشته باشــد، صندلى ممكن ۱۳۰۰ می ۱۳۰۰ م است در وهله اول زیبا به نظر بیاید اما هیچ کار آیی ندارد و با نشســتن روی آن، از هم خواهد پاشید. بنابراین دانش در کار بازیگــری یا به بیان بهتر در هنر بازیگری نباید سرسـری گرفته شـود. سعی من هم همین بوده زیرا میدانم کار حساسـی در بین است. از این رو همواره سعی کردهام به دانش بین است. از این رو همواره سعی کردهام به دانش بازیگری خودم اضافه کنم والان هم این گونه است. از نگاه من هنر و دانش سقف ندارند. شما هر چقدر ر جلو بروید باز هم جابرای پیشرفت هست. پس این بحث ما در مورد دانــش بود اما قضیه به همین جا ختم نمی شُــوُد چون صحبت صرفا بر ســر دانش نیســت. اگر بپذیریم بازیگر، هنرمند اســت، باید بدانیم یک بازیگر نیاز ہے خلاقیت و جھار پینے . بنابراین فردی که به حرفه بازیگری مش است اگر از این دو عنصر بی بهره باشد، آنچه به عنــوان محصول ارایــه میدهد ممکن اســت در ابتدای امر جذاب به نظر برســد، اما هیچ وقت تاثیر گذار و ماندگار نخواهد بود. هنر را نمی شود در

دانشـگاهها أموزشُ داد زيراً بخش زيادي از أن به

محتوا بر می گر دد. فرم همان دانش بازیگری است

امامحتوااکتسایی نیست.من هنرمندبایداستعداد درک پیرامون خود را داشــته باشم، بنابراین یک

هنرمند بُرای این که بتواند جهان بینیی خُود را نکمیل کند نیاز به خیلی چیزها دارد. درک دقیق،

نگاه درست و تُجربياتي که در زيـر و بُم زندگي خود همواره با آنها روبهرو بوده است. اين عوامل

شايداغراق به نظر بيايداما همان طور كه جراحي

جهان بینی شخص رانشان می دهد. بهن بینی سس ررسان کی است. تــا آن جـا کــه از درونم خبـر دارم احسـاس خوشبختی می کنم و به نظرم معنی خوشبختی این نیســت که همه چیز فراهم باشــد یا حالا که دارم ادعا می کنم فرد خوشبختی هستم، لزوما همه چیز برایم فراهم است. به نظـر من معنای خوشبختی ســـازگاری با واقعیتهاست. تعریف من از خوشبختی و بدبختی این است: انسان های وشبخت انسمان هایی هسمتند که توانایی این ىدىخت، كسانى ھس ــتند که نمی توانند خودشان را با همان وقایع (که فرد خوشبخت می تواند خود را با آنها هماهنگ کند) هماهنگ کنند؛ بنابراین ساز گاری با واقعیت و فقدان ساز گاری، باعث تحقق



دوران خوشمان تمام شد



هنر در آمدم اولین خاطر مام به آشنایی با آقایان حسیر علیزَادُه، داریوَش طلایی و حمید متبسم بازمی گردد آن موقع دریایه چهارم، پنجم و ششـــم ابتدایی وموسّيقى تُدريس مَىشــد. مَن هم در ٣،٢ سَال اوْلُ سرود و موسیقی درس میدادم. در همان سالها تلویزیُونَ هم راهاندازی شد. هر شب رأس ساعت ۱۸ز فرهنگوهنربرنامههای زندهمی گذاشتند. صبحها که فرهنگوهنر برنامههای زندهمی گذاشتند. صبحهاکه می رفتم دبستان در س بدهم، بچههامی گفتند: آقاما ديشُب شما را در تلويزيون ديديم! در آن دوره، امكان فیطبرنامههاوجودنداشتوتنهامی شدبرنامههارابه صورت زنده تماشا کرد. در همان سال ها برای تدریس مورت رستان حافظ رفتم آقای حسسین علیزاده در آن دبستان شاگردم بود. آمد به من گفت: آقامن موسیقی رادوست دارم و می خواهم بیایم یاد بگیرم. به او گفتم: به هنرســـتان بیا. در آن دوره آقــای داریوش طلایی و آقای عُلیزاده با هم مُیآمدند کلاس. استعداد خوبی داشتندهنرستان، کلاسهای شبهم داشت که آقای

متبسم حدود ۴سال در آن کلاس ها حضور داشت. . ۱۳۰۰ رسی رای که در در این در این در از بهترین دوران زندگی ام اشاره کنم که به همکاری بااستاد فرامرز پایور در گروه پایور مربوط می شود. خدار حمت کند آقای پایور را! ایشان دیسیپلین خاص خود را داشتند. وقتی در فرهنگ و

نرباره این شـعر می توانیم این نکتــه راِ بیان کنب که این شعر صورت دیگری از شمعر «بنی آدم اعضای

آنها به وجودٌ می آید، اشــاره داردٌ و دُرباره این موضوع بحث می کند که افراد در تعامل با یکدیگر بر چه پایه

واساسى رفتار مى كنند لازم است به اين نكته اشاره

كُنيم كه نگرشُ سعدى نسبت به شاعران ديگر كاملًا

متفاوت است. سعدی پافشــاری زیادی بر زیست و

زندگی افراد دارد. این توجه شــیخَاجَل، به مُوضّوعاتُ اجتماعی که در روابط انسانی در جریان است، مربوط می شود. سعدی در شعرهایش نگرش عمیقی به نی سرمه سطحتای در صورت باین به این می دارد و زیست سالم دارد و روی موضوعاتی پافشاری دارد که شاعران دیگر برایشان اهمیت چندانی نداشته است. اکثر شاعران قدیمی ما بر موضوعاتی در زمینه عرفان و عشق به خداوند تأکید داشته اند. در حالی که سعدی علاقه بسـیار زیادی به زندگی مطلوب افراد در بستر

اجتماع دارد. در بیت بالا شاعر به معیارهای مختلفی که افراد براساس آن زندگی می کنند، اشاره دارد و بر از

بین رفتن متغیرهایی که جدایی افراداز بستر اجتماع را در پی دارند، تأکید می کند تااز آن رهگذر افراد جامعه، ندگی و همزیستی مسالمت آمیز را در ارتباطاتشان

یکدیگرند؛ است در یک نگاه کلی، این ب نســانها در کنار هم و تمــام موضوعاتی که پیرامون

را کوک می کردند تا کار را شروع کنیم، وقتی کسی حتی در حد یکی ۲ دقیقه دیسر می آمد، آقای پایور به سیاعتش نگاه می کرد و می گفت: شیما دیر آمدهاید نوازندهای که با این وضَعُ مواجه شــده بود، شُـ می شدوعذر خواهی می کرد گاهی اوقات به خانه آقای پایور می رفتیم و غذا می خور دیم یا بیرون می رفتیم و تاساعت یک نیمه شـب با هم بودیم. بعد کم کم همه می فتند؛ چون باز هم فردا تمرین رأس ساعت ۹ صبح شروع می شد. اگر کســی ۲ دقیقه دیر می آمد دیگر سروی می شد بگوید آقا دیشب تانیمه شب میهمان شما بودیم، آقای پایور نمونه کامل یک انسان منضبط بود. هر جا کنسرت داشتیم این مسأله مشهود بود. کردنداستاد گفت:ساز نرنید؛ بچه هانزنید تا آقایی که صحبت می کنند، صحبتشان تمام شود، بعدار سکوت دوباره شروع کردیم. ماهمه دنیار ایا گروه پایور گشتیم. شــُوخی ما این بود که من می گفتم: تنها دو کشور را ندیدیم،زامبیاو گامبیا.حتی در آن سال هایی که کسی نمی توانست شوروی برود، ما آن جارفتیم! با گروه پایور دوران خوبی داشتیم چه از نظر احترام، چه کار و چه مسافرت! بعد از آن که آقای پایور مقداری کسالت پیدا رت . . . ر ت کردند، مدیریت کارهای گروه را به من سپردند. بعد از آن هر کدام از دوستان پر اکنده شدند. آقای ناهیدر فتند

ں ہر ۔۔۔ہر ءوسس پر استعسدند، فتی ناهیدوفتند به شیراز من هم رفتموین کنار فرزندانم به این ترتیب دوران خوبی که داشتیم، تمام شد.

دفتر وديوان

سعدی درمورد این موضوع ایمان و اعتقاد وافر دارد

که حتی آگر یک نفر در جامعهای نسسبت به دیگران رفتار مطلوبی نداشته باشد، آن جامعه ضربه خواهد

تورد. بنابراین در بیان کلی همه اجزای یک جامعه و

وره.به برین در بیان هی تعدیبری بری بیت بردی با از کان مختلفی که آن جامعه را تشکیل می دهند،بههم مر تبط هستند و باید با هم مهربان باشند. اگر این گونه

نباشد مسائل مختلف دست به دست هم می دهند و باعث فروپاشی یک اجتماع وار تباطهای انسانی موجود

۔ ۔ ۔ ۔ سعدیبرایجامعہمطلوبخود،ایدہآلھایجامعہ مزبور را نیز عندوان می کند به نظر سعدی، از تباط

ر برور بر بری کی . اجتماعی مثبت یا دوستی بین افراد تضمین کننده پیشروی به سوی جامعه ایده آل است زیرا دوستی به

پیسروی به سوی جامعه ایدان است. روز دونسی به وجود آمده در جامعه و در میان تک تک آفراد آن بیاعت بر بروز ارتباطاتی می شــود که نزدیکی و هر ک متقابل را ادارش می دهدانتادی که از این رابطه ایجادمی شود. باعث تعالی یک جامعه است. ســعدی به اتحاد میان مرمم تأکیدفر اوان دار دا و معتقداست اتحاد بیشترین

وعُميٰق ترين زُخُهها راجلًا مي دهدوباعث ترميم روبطً انساني مي شود در حالي كه تفرقه ميان افراد جامعه از بدترین آفتهاست. اگر افراد جامعه با دیگران احساس . غریبی کنند، از هم دور می شوند و شکاف ها روز افزون

میشوند.نگرش اصلی سعدی در این شعر و به بیان کلی اشعاری که در رابطه با این موضوع سروده، بحث انسانیت افراد است. چنین نگاهی پایه و اساس تمام مراودات انسانی قلمدادمی شود.

نهبر عضومردمنهبر عضو خويش

بهعنوان يكاصل درنظر بگيرند

در آن می شوند.

روابط انساني، او لويت شعر سعدي

هنر تمرين داشتيم همه رأس ساعت ۹ بايد سازشان

خاطرهبازى





برش

درد دل می کنند و مراقباند که هر گززیر نور مستقیم آفتاب قرار نگیرندشنبهها به ملاقات

دُخُتــری میروند کــه پدرش نگهبان یــک فانــوس دریایی

است. هر دو عاشق این دخترند از تـرس اینکه دختـرک یکی از آنها راانتخـاب کند، هرکدام نامه عاشـقانهای بــه دخترک

میدهد که در آن، خط برادرٌش

باچشمهای اشک آلود، دور شدن آنها را نظاره می کندو

ا تقلید کردہ اسے

از هم اکنــون میداند که جاودانــه مجرد خواهد ماند. یکشنبهها یک بطری نوشابه بازمی کنند و با

صدای باز شدن ســرپوش بطری هر دو، هم زمان

از جامی پرند وقتی می بینیم کـه چطور با نوک انگشت به لیوانهای کریســتال ضربه می زنند،

هرگز نمی توانیم حدس بزنیم که فقط یکی از این دووجودداردو آن یکی فقط رویای اوست. برشی از کتاب زن آینده |کریستین بوبن

در نگاهی کلی و بدون جهتگیری درمورد تصم اتخاذ شده، باید به فقدان گفت و گو میان سازم

نظام صنفی رایانه ای کشور ومدیر کل فناوری بانک





یک لحظه و یک ساعت دست از تو نمی دارم

چنــدروز پیش رئیس ســازمان نظــام صنفی

رایانهای کشـور در واکنش به طـرح اخذ کارمزد از شـهروندان در ازای ارایـه خدمـات بانکداری

را اقدامی تنبیهی برای شهروندان در استفاده از این نوع خدمات قلمداد

كرد اين اعتراض از سوى كاظم أيتالهي درحالي اتفاق افتاد کهمدیر کل فناوری بانک مرکزی دریافت کارمزداز کار تخوان هارا کاملامنطقی دانست. ناصر

حکیمی بااشاره به این که کار منطقی و کار شناسی در راستای دریافت کارمزداز پذیرندگان پایانههای

فروش انجام شده است، گفت: با توجه به این که

طرح مذکور، مشکلات را تا حدودی حل می کند

رفتم بر درویشی گفتا که خدا یارت

حقباكداميكازدوطرفاست؟

ر گریه میزند وقتی یکی از آنها اسکناسے از صندوق برمیدارد، دیگری او را لو آخر. یک زوج واقعی، شبیه درجــه حرارتهایی که به شکل یک خانه چوبی اند و مردی از آنها بیرون میآید تاهــوای صــاف و آفتابی را علام کند و بعد ناپدید



می شـود تازنی جای اورابگیردو هـوای بارانی را پیش بینی کند. آنها جدایی ناپذیرند با عدم توافق کامل مردم برای شناسایی دو قلُوها اسمشان را گذاشته اند: شیر و خط» اما همیشه آنها را عوضی می گیرند. دو قلوها چهاردستی پیانو می نوازند، درشکه سواری می کنندو یکی از آنها خاطراتش را شرح می دهد تادیگری آنهارا بنویسید. در راه . باریکه های پارک لوکزامبورگ آن دو را می بین







سالهاست می گویند آب نداریم، کمبود آب داریم، کمبود آب جدی است واز این حرفها اما حقیقتش را بخواهی دیگر زمانی برای هشدار هم باقی نمانده است.





امروز به چی فکر می کنی

در دولت میدانند که در صورت عدمباز گشـایی سـازمان برنامـه و بودجـه ممکن اســت برخی

مشکلات درمورد بودجه نیز به وجود بیاید و این مساًله به بودجه ٩٣ نيز انتقال پيدا کند. درمورد

بودجه ۹۳ نیز باید بدانید مشکلات کمی همراه آن

برد . به میریت به سید سده به این سود این قابل شد این بود که به موقع به مجلس ارجاع شد. اما موضوع مهم دیگری کسه فکسرم را به خود

مشغول کرده، زمان ۵/۲ماههای است که تا تبیین بودجه ۹۴ باقی و بنابرایس فرصت زیادی

. میدوارم این موضوع نیز به سرانجام خوبی برسد

تا مردم و جامعه بیشترین بهره را از آن ببرند. همه ما نیک می دانیم فقدان طرح و تبیین در ست

نقشیههای اقتصادی باعث دوری ملیت و دولت از

یکدیگر میشـود چراکه در زندگی روزمره مردم، اقتصاداهمیت و ظرفیت بالایی دارد.

تأثيرات دولت كذشته هنوز هم پابرجاست

سازمانی، به موضوعات اقتصادی بیرداز د؟! انحلال ِ همين م ت که رئیس جُمه وری جدید در دوران

ســأله یکی از دلایلی است که پیشرفت

برُنامه و بوُدجَه تا ماه آينده خُبر دُاده اما اين

برخی وابستگی هایی بــه دولت قبل وجــود دار د و بودجه بر ســر جای خود بود، بســیاری از همین مسائل راحت تر مر تفع می شدند. فکر امروز من این اســت که ما، اساتید دانشگاه،

کر در آب کشور را به کندی می کشاند.از همین رهگذر برخی از مشکلات جدی در مقوله اقتصاد کماکان به قوت ر خود باقی هســـتند حال آن که اگر سازمان برنامه

ر رزر کی ہی دولت و همه کسانی که می توانند در این مسیر گام بر دارند، دست در دست هم دهیم و سازمان برنامه و بودجه را بر ســر جای خــود باز گردانیم. نکتهای که در این بین مایه تعجب من و امثال من اســت، وعدههای سخنگوی دولت مبنی بر بازگشایی سازمان برنامه و بودجه تا یک ماه آینده است. نوبخت در طول عماه آینده از بازگشایی سازمان هُنوز نرسیده است. آقای روحانی و همکارانشان

نتخابات بهصورت واضح از بازگشایی این سازمان سخن گفت اما هنوز که هنوز است، خبری از این بازگشایی نیست. با وجود اصرار آقای روحانی دراین باره و ملغی کردن تصمیمات اشتباه پیشین، با گذشت یک سال از آغاز به کار دولت جدید هنوز

ب ندست پیدست رو اسر به در توانی جدید متور شاهداتفاق جدی در این زمینه نیستیم. از سـوی دیگر، کشـور در شـرایط ۵سالهسوم توسعه قرار دارد و نیاز مبرم به سازمانی مانند برنامه و بُودجه بُه بالاُتريُن دُرجهُ اهميتُ رسيده اسَت. بنابراين در شـرايط حسـاس كنوني اگر غفلتي از ما سر بزند، ســــاری از برنامههای اقتصادی دولت به مخاطره خواهد افتــاد. اکنون که درحال بر زبان راندن این سـخنان هســتم به صورت ناخودآگاه

ذهن من در این روزها، بیــش از هر چیز، در گیر مسائل بنیادی کشور است. سوال مهمی وجود دارد مبنی بر این که چرا افرادی که در ســال های بر سر . کار رو دن دولت نهم و دهم سختی ها را با پوست، گوشت و استخوانشان در ک کردند، در مقابل همه

فر شاد مومنی

نوست و استخواستان درت تردند، در مقابل همه این اتفاقات ساکت بودند؟ سکوت ما باعث شد درنیس دولت سایق، درباره تمام موضوعـــات اقتصـــادی ما تصمیـــم بگیرد و اقدامات بنیادیــن را تحت تأثیر قـــرار دهد. یکی از بود. آخر می شود یک کشــور، بدون داشتن چنین